

جامعه



زن ایرانی؛ قهرمان سریال‌های تلویزیون

رسانه ملی تاکنون در مجموعه‌های بسیاری تلاش کرده دلاوری‌های زنان ایرانی را روایت کند و زیست قهرمانانه آنها را به نمایش بگذارد

۸ صفحه <<

رپر معترض دل‌بسته جبهه انقلاب

سینا آنگون توانسته از موسیقی رپ برای دفاع از ارزش‌های ایران اسلامی استفاده کند



<< ۱۱

سفیدشویی صهیونیست‌ها در رم

فیلم «لولیتاخوانی در تهران» در روزهایی که رژیم اشغالگر اوج جنایت را رقم می‌زند، در جشنواره رم روی پرده رفت



<< ۱۰

پلیس بازی به زبان سوئدی

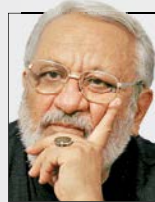
سریال پلیسی شبکه تماشا، حاوی تصاویر دیده‌نشده از مجموعه فیلم‌های سینمایی «یوهان فالک» است



<< ۶

نگاه

بر مبل خاکستری با حاشیه نارنجی



احمد میرزاجانی
نویسنده و پژوهشگر

بر لبه مرگ
وقتی که نقاب‌های انسان
فرو می‌افتد
میدان نبرد تل‌السلطان
وسط رفح در خانه‌ای میان مردم
کنار اردوی جنون و شیطان
برابر تاریکی
تاریکی
روباروی این آمریکا
و این اسرائیل
و این موش‌های ترس‌زده
بایدن احق
تنایه‌های کرکس
نه در زیر زمین
نه با سبزی از اسیران
در بام تل‌السلطان
تنها
اما یک جهان غران
دشمنان تو برادر
تصویر پهلوانی‌ات را در سراسر دنیا
منتشر کرده‌اند
افسانه تو در چشم‌های کودکان نوپا
در رویاهای دختران نابالغ
سپران مقاومت تا بداید
حک شده است
تو اسطوره نیستی
اسوه‌ای
و با تو حال مقاومت خوب است
و انگشت‌های هزاران سنوار بر
ماشه‌ها
فشرده می‌شود
پیش‌درنده‌کننده
که این بار با منتقم
پیروز باز می‌گردد
و تا ظهور عادل موعود
مرگ‌ناپذیر می‌مانی
زیرا اکنون
جسم تو همان روح است سنوار!

در روزهای سرد جهانی خاکستر
تو آن نازنجانستان داغ یک عشق
زنده‌ای
در دل زندگی چشم به راه
که ما را عاشق می‌کند زنده می‌کند
یحیی‌ای سنوار
رقمی چنین میانه میدان
کمر خم شده مقاومت را محکم
می‌بندی
آی ایستاده گواه ایستادگی
تصویرهای یک تکه فیلم
چگونه تبخیر می‌کند
ذوب می‌کند
برباد می‌دهد مکر شیطانی را
خدای من تو چقدر خدایی
مکرشان را دام شان کرده‌ای
سنوار بر ساخته رسانه‌های ابلیس
سنوار دروغ‌وار
پنهان شده در تونل‌های امن
زیر زمین
پناه گرفته پشت اسیران
حالدار لحظه احتضار
خدا روحت را بر ملا می‌کند:
یحیی‌ای هزار زخم‌شمشیر
که گواراست برایش
تا مرگ ناگوار در بستر ذلت
سنوار شیری غران
در نفس آخر
تا آخرین نفس

روح را بنگرید
در آخرین صحنه دنیایش
روح را بنگرید
جان برهنه مقاومت و جهاد
تا همیشه
چشم در چشم خصم
با دست قطع شده

زایوه دید

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

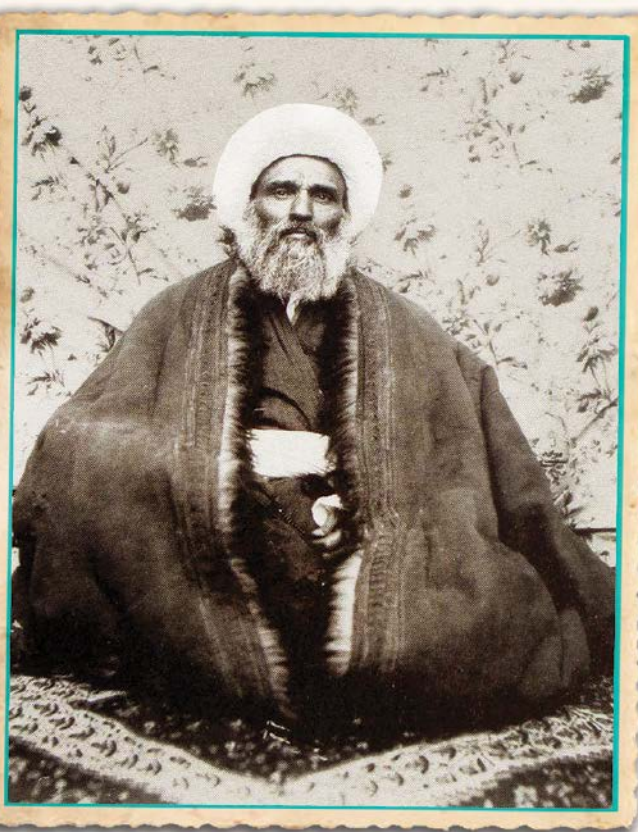
اعتقاد علمای اسلام به ولایت فقیه

نیز در حیطه وظایف فقیه قرار دارد. اما مهم‌تر از تمام این مباحث نظری، موضع و رفتار سیاسی آخوند خراسانی بود که در مشروطه برجای گذارد. ایشان در مشروطه، شمای یک ولایت مطلقه از یک فقیه شیعه را بر اساس مصالح دین و کشور و مردم به نمایش گذارد.

نظریه ولایت فقیه آخوند خراسانی

جایگاه علمی و سیاسی آخوند خراسانی به عنوان یکی از علمای برجسته صدر مشروطه باعث شده تا نظرات و دیدگاه‌های ایشان در موضوع ولایت فقیه بعضاً توسط برخی شبه‌روشنفکران در مقابل اندیشه‌های امام خمینی (ره) در این زمینه قرار داده شود. شبه‌روشنفکرانی که در اصل با اساس اسلام و فقاوت و ولایت مخالفت دارند و همواره به دنبال علما و فقهایی بوده‌اند که بتوانند از تحریف در بعضی نظرات آنها، ولایت فقیه را زیر علامت سؤال ببرند. اما ورود آخوند ملا محمدکاظم خراسانی در بحث ولایت فقیه، علی‌رغم نامساعد بودن شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، فراتر از آن است که این گونه شبهه‌اندازان تصور می‌کنند.

ابتدا آخوند خراسانی در بحث قضا که توسط فرزند ایشان تقریر شده، ولایت فقه در امور حسیه را پذیرفته است. ایشان در این بحث، بدون تردید، قضاوت را یکی از مناصب فقیه جامع‌الشرایط دانسته و رجوع به آنها برای رفع خصومت را واجب شمرده است. آخوند در ادامه، این پرسش اساسی را مطرح کرده که آیا اثبات منصب قضاوت برای فقه، ولایت بر امور حسیه چون ولایت بر غایبان و قاصران و اوقاف و حکم در غیرموارد تخصص را نیز همراه دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان از راه منصب قضاوت، تصدی فقه‌دار امور حسیه را ثابت کرد یا نه؟ ایشان به این پرسش، پاسخ مثبت داده و بر اثبات منصب سیاست برای فقه‌داران تأکید می‌کند. آخوند خراسانی در این زمینه گفته است: «... ظاهر کلام برخی از اعلام این است که بدون تردید، ولایت بر امور فوق غیرو لایت بر جانشینی در مفهوم قضا وجود دارد و سخن ایشان با تعریفی که برخی برای قضاوت ارائه داده‌اند، تأیید می‌شود به این که قضاوت شرعی بر حکم‌دادن و بر مصالح عامه از سوی امام است...»



وی فرموده است: «... اگر در دخول ولایت‌های متکثر در مفهوم قضاوت، مناقشه صورت گیرد، تردیدی وجود ندارد که بعضی از آن ولایات مثل حکم به ثبوت ماه و ولایت بر قاصران و اوقاف در عرف از شئون قاضی محسوب می‌شود...»
به اعتقاد آخوند خراسانی، جعل قضاوت برای فقه‌ای شیعه در مقابل قاضی جور و برای مراجعه نکردن به آنها بوده است، بنابراین قاعده مقابله اقتضای کند هرآنچه از شئون آنها بوده است، برای فقه‌ای شیعه نیز ثابت باشد والا اگر شیعیان مجبور باشند در امور حسیه به قضاوت جور مراجعه کنند، نقض غرض خواهد بود. ایشان گفته است: «... کشف می‌کند از مقصود ما اثبات همین ولایت‌ها برای قضاوت جور با خیال باطل شان و تصدی عملی این ولایت‌ها از سوی آنان و این که این امور نزد آنان

از شئون قضاوت شان بوده است پس حکم می‌شود به ثبوت همان اختیارات برای کسی که از سوی امام منصوب شده است...»
چه کسی است که نداند امروز، امور حسیه و بر زمین مانده، در مثال‌های فوق خلاصه نشده و بسی فراتر از این موضوعات است و اداره حسیه نیز خود به یک حکومت تمام عیار نیازمند است. به اعتقاد آخوند خراسانی، یکی از روایات مهمی که بر اثبات منصب قضاوت برای فقه‌داران دلالت می‌کند، مقبوله عمر بن حنظله است. در این روایت به جای لفظ قاضی از واژه «حاکم» استفاده شده است.
«فانی قد جعلته علیکم حاکماً». این تعبیر، معنایی وسیع‌تر از قاضی دارد و حاکی از آن است که افزون بر فصل خصومت، امور سیاسی نیز در حیطه وظایف ایشان قرار دارد. ایشان گفته است:

«... به درستی که دانستی امکان ادعای اختیارات بیشتر برای فقیه، کسی که امام، او را حاکم قرار داده است، با این ادعا که آنچه از لفظ «حاکم» فهمیده می‌شود، بسی وسیع‌تر از لفظ قاضی است یا به این دلیل که مفهوم حاکم وسیع‌تر از مفهوم قاضی است یا در عرف، شئون حاکم بسی بیشتر از شئون قاضی است. لذا حکم می‌شود به این که تمامی آنچه که به امور سیاست عمومی مربوط است از قبیل اجرای حدود و تنظیم امور کشور مربوط به فقیه می‌باشد...» مشاهده می‌شود که آخوند خراسانی در این فقره فراتر از امور حسیه، ولایت فقیه را نیز برای فقیه، اثبات پذیر دانسته است. اما مهم‌تر از تمام این مباحث نظری، موضع و رفتار سیاسی آخوند خراسانی است که در مشروطه برجای گذارد. ایشان در مشروطه، یک ولایت مطلقه از یک فقیه شیعه را بر اساس مصالح دین و کشور و مردم به نمایش گذارد که به مواردی از آن موضوع‌گیری‌ها اشاره می‌شود:
۱- ایشان بیش از ۱۰ بار در مکتوبات سیاسی، خود را رئیس روحانی نهضت مشروطه نامیده است، درحالی که در هیچ انتخاباتی به این سمت برگزیده نشده بود.
۲- آخوند خراسانی از پایگاه رهبری نهضت فراتر از فتوای شرعی که البته از وظایف عمومی هر فقیه مجتهد است، «احکام سیاسی» صادر کرده است که در فقه شیعه از شئون فقیه جامع‌الشرایط و مسیوط‌الدید به شمار می‌آید. از جمله:
«حکم خلع ید از مسیو نوز بلژیکی، حکم به حرمت معاملات موجب تقویت کفار و ضعف مسلمانان، حکم به بی‌اعتباری کلیه قراردادهای حکومت غاصب محمدعلی شاه در غیاب مجلس، حکم به فسادمسک سیاسی سیدحسن تقی‌زاده و اخراج او از مجلس، حکم جهاد علیه متجاوزان روس و حکم تاریخی جهاد علیه ولایت چارترانه محمدعلی‌شاه و حرمت مالیات دادن به گماشتگان او که موجب اعاده دوباره مشروطیت در ایران شد.»
۳- نکته مهم این که آخوند خراسانی ضمن واجب دانستن اطاعت از احکام سیاسی یادشده بر همگان، هرگونه مخالفت با آنها را موجب خارج شدن از چرخه مسلمانی دانسته است. ایشان می‌نویسند: «... همه آن احکام واجب الامتنال است. هرکس تخلف نماید، از حکم صاحب شریعت امام عصر حضرت حجت... الاعظم (روحنا فدا) تخلف کرده است و از اسلام خارج است و بر مسلمین واجب است که چنین شخص را از دوره اسلام دور نمایند...»